

یکشنبه های اعتراض، استوارتر از پیش در کف خیابان ها



بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی در ادامه برپایی یکشنبه های اعتراضی خود، روز یکشنبه هشتم اسفند ماه ۱۴۰۰ نیز، همانند دفعات پیشین به کف خیابان ها آمدند و با عزمی استوار تحقق مطالبات چندین و چند ساله شان را فریاد زدند. این اعتراضات به طور همزمان در تهران در مقابل مجلس ارتجاع اسلامی و بیش از هفده شهر از جمله تبریز، رشت، شوشتر، شیراز، اصفهان، اهواز، اراک، اردبیل، ایلام، خرم آباد، جنورد، شوش، کرمانشاه، قزوین، مشهد، شهر کرد و گرگان در مقابل ادارات کل در صفحه ۳

ای زن، کیست که آزادت کند!

آمار دقیقی از تعداد دستفروشان وجود ندارد، بنا به آمار رسانه های دولتی اکنون میلیون ها نفر در ایران به دستفروشی مشغولند. "شغلی" که حتا در دو سال گذشته، با وجود خطر ابتلا به کرونا، از سرعت گسترش آن کاسته نشده است. با آن که آمارهای شهرداری در آبان ۱۴۰۰، حاکی از وجود حداقل ۳۰ هزار دستفروش در تهران بود، در بهمن ماه ۱۴۰۰، مدیر عامل شرکت ساماندهی صنایع و مشاغل تهران، ضمن اعلام وجود ۱۰ هزار دستفروش در تهران، مجدداً از



در صفحه ۱۰

جهت گیری مبارزه و تشکل مستقل فرهنگیان

در صفحه ۶

ترس و وا همه جمهوری اسلامی از شبکه های اجتماعی

"این اینترنت نیست که جامعه را به فساد کشیده، این فساد مسئولان کشور است که اینترنت آن را به تصویر کشیده است." این از نمونه جملاتی است که در پی تصویب کلیات طرح موسوم به "نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی" در کمیسیون ویژه مجلس اسلامی در شبکه های اجتماعی به سرعت فراگیر شدند، پاسخ روشن و واضح توده های مردم به جعل واقعیت و دروغ گویی حاکمان. از زمانی که استارت تصویب این طرح در بهمن ماه سال گذشته در مجلس اسلامی زده شد، هدف رژیم روشن بود و وقتی که روز چهارشنبه ششم مرداد ماه سال جاری، مجلس اسلامی تصویب قانون فوق را به کمیسیون "مشترک" سپرد، باز بر همگان روشن بود که چرا رژیم می خواهد این طرح را نه در صحن مجلس که پشت درهای یک کمیسیون به سرعت به تصویب برساند. تنها دو روز بعد از این اقدام

در صفحه ۴

امپریالیسم، جنگ و نزاع بر سر تجدید تقسیم اقتصادی و سیاسی جهان

در هفته های گذشته حمله نظامی روسیه به اوکراین در صدر اخبار و گزارش های جهان قرار گرفت. با تشدید نزاع میان روسیه و قدرت های غربی بر سر اوکراین، در پی به رسمیت شناختن جمهوری های استقلال طلب شرق اوکراین و ظاهراً درخواست کمک نظامی جدایی طلبان، پوتین در سخنرانی روز سه شنبه اعلام کرد که روسیه حاکمیت جدایی طلبان طرفدار روسیه در شرق اوکراین را بر کل مناطق لوهانسک و دونتسک و نه فقط بر مناطق تحت کنترلشان به رسمیت می شناسد. در پی آن، بامداد پنجشنبه ۵ اسفند رئیس جمهوری روسیه فرمان "عملیات نظامی ویژه" علیه اوکراین را رسماً اعلام کرد. ارتش روسیه در سراسر اوکراین مراکز نظامی این کشور را مورد حمله قرار داد و متجاوز از ۱۰۰ مرکز نظامی و فرودگاه های این کشور را نابود کرد. در جریان این حملات تاکنون ده ها تن از نظامیان و افراد غیرنظامی در اوکراین کشته شده و ده ها هزار تن از مردم اوکراین آواره شده اند. این بحران ریشه های عمیق دارد، اما تا جایی که به تحولات اخیر برمی گردد از آنجائی آغاز گردید که روسیه در اواسط دسامبر سال گذشته طرح خود را برای تجدید ساختار امنیتی اروپا به قدرت های رقیب آمریکائی و اروپائی ارائه داد. بر طبق این طرح، توقف بسط ناتو به شرق اروپا، منع پیوستن اوکراین به ناتو، خروج نیروی نظامی ناتو از لهستان و کشورهای بالتیک و بازگشت به مرزهای سال ۱۹۹۷ به عنوان مرزهای ناتو، برچیدن سلاح های هسته ای آمریکا از اروپا، خواسته شده بود.

بدیهی بود که قدرت های رقیب روسیه، این خواسته ها را نپذیرند و به آن پاسخ منفی بدهند. پوشیده نبود که مطالبات به این بزرگی راحل دیپلماتیک و مذاکره ندارند، بلکه طرح آن ها از

در صفحه ۲

همگام با نیروهای ترقی خواه جهان، علیه جنگ، توسعه طلبی و امپریالیسم

در صفحه ۹

امپریالیسم، جنگ و نزاع بر سر تجدید تقسیم اقتصادی و سیاسی جهان

سوی امپریالیسم روس در واقعیت یک اولتیماتوم به قدرت‌های امپریالیست اروپائی و آمریکا بود. بنابراین، روسیه راحل جنگ را برای تحقق خواسته‌های خود برگزید و نخستین آن‌ها که به گفته روس‌ها با امنیت این کشور سروکار دارد، حل مسئله اوکراین با توسل به نیروی نظامی بود که به‌ویژه از ۲۰۱۴ مورد نزاع و کشمکش قرار داشت.

ظاهراً در جریان فروپاشی اتحاد شوروی و وحدت دو بخش آلمان، غربی‌ها به گورباچف قول داده بودند که از گسترش ناتو به شرق اروپا خودداری کنند و اوکراین منطقه حائل میان روسیه و غرب باشد. به این وعده‌ها عمل نشد. گسترش ناتو از ۱۹۹۸ به‌سوی شرق آغاز گردید، کشورهای شرق اروپا به عضویت ناتو درآمدند و کشمکش بر سر تسلط بر اوکراین نیز ادامه یافت. بحران اوکراین در ۲۰۱۴ به نقطه تعیین‌کننده‌ای رسید. رئیس‌جمهوری اوکراین در آن ایام، ویکتور یانوکویچ زیر فشار روسیه و پیشنهاد کمک ۱۵ میلیارد دلاری، توافق‌نامه با اتحادیه اروپا را که هدف آن ادغام اوکراین در اتحادیه اروپا بود، متوقف ساخت. پی آمد آن به راه افتادن تظاهرات یورو میدان با حمایت آمریکا - اروپا و فرار یانوکویچ به روسیه بود. پوتین درواکنشی متقابل کریمه را با ادعای دفاع از روس تبارها ضمیمه روسیه کرد و روس‌های شرق اوکراین را در منطقه ندبای فعال کرد که خواستار فراندوم و جدائی از اوکراین شدند. درگیری میان دو بخش اوکراین ادامه یافت و جدائی‌طلبان روس تبار اعلام استقلال و جمهوری کردند. از آن پس به‌رغم توافق مینسک ۱ میان روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا در ۲۰۱۴ برای متوقف ساختن درگیری‌ها و نیز توافق مینسک ۲ در ۲۰۱۷ میان جدائی‌طلبان، دولت اوکراین و روسیه، اوضاع آرام نگرفت، درگیری‌های نظامی ادامه یافت و متجاوز از ۱۴۰۰۰ نفر جان خود را از دست دادند.

در این فاصله روسیه در تدارک حمله نظامی به اوکراین با توجیه دفاع از جدائی‌طلبان روس و به رسمیت شناختن استقلال آن‌ها اما در واقع با نقشه وسیع‌تری برای اشغال اوکراین بود. پوتین که از پیش می‌دانست در قبال اقدام نظامی وی غربی‌ها نمی‌توانند اقدام نظامی متقابلی داشته باشند، طرح خود را برای اشغال اوکراین عملی کرد.

واکنش آمریکا و اتحادیه اروپا در ارتباط با تصمیم روسیه برای به رسمیت شناختن استقلال جمهوری‌های دونتسک و لوهانسک نمی‌توانست چیزی فراتر از تحریم‌های گسترده اقتصادی، مالی و سیاسی علیه روسیه باشد. مقابله نظامی با دومین قدرت اتمی جهان لااقل در مرحله کنونی غیرممکن بود. بنابراین رهبران کشورهای عضو اتحادیه اروپا با وضع تحریم‌های گسترده علیه روسیه موافقت کردند. در بیانیه کشورهای اتحادیه اروپا آمده بود که این تحریم‌ها بخش مبادلات مالی، انرژی و حمل‌ونقل روسیه را هدف گرفته است.

رئیس کمیسیون اروپا عصر سه‌شنبه اعلام کرد

که در چهارچوب بسته تحریمی جدیدی که به تصویب اعضای اتحادیه اروپا رسیده، بانک‌هایی که فعالیت‌های نظامی روسیه را تأمین مالی می‌کنند، افراد و شخصیت‌های روسیه که به‌طور مستقیم در بحران کنونی دخالت داشته‌اند، همچنین فعالیت‌های اقتصادی متعلق به جدائی‌طلبان در منطقه لوهانسک و دونتسک تحریم می‌شوند.

صدر اعظم آلمان، نیز تأکید نمود که باید از وقوع فاجعه جلوگیری کرد. وی گفت: هشناد سال پس از پایان دومین جنگ جهانی، خطر جنگ در اروپا واقعی است. وی اجازه بهره‌برداری از خط لوله انتقال گاز روسیه به آلمان، تحت عنوان "نورد ستریم ۲" را به حال تعلیق درآورد.

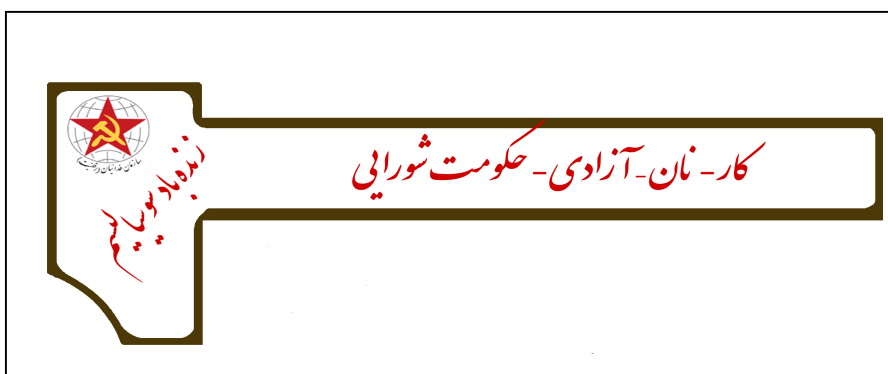
نخست‌وزیر انگلستان نیز پنج بانک روسیه به همراه تعدادی از سرمایه‌داران روسی را تحریم کرد و گفت باید خود را برای بحرانی طولانی‌مدت آماده کنیم.

باید رئیس‌جمهوری آمریکا با صدور فرمانی سرمایه‌گذاری جدید در مناطق جدائی‌طلب اوکراین را ممنوع اعلام کرد. این تحریم‌ها گرچه می‌تواند صدمات سنگینی به اقتصاد روسیه وارد آورد، اما تبعات سنگینی برای اروپائی‌ها نیز خواهد داشت که هم‌اکنون با بحران اقتصادی روبه‌رو هستند که کرونا آن را تشدید کرده است. روسیه یکی از شرکای مهم آن‌هاست و اتحادیه اروپا مشتری ۴۰ درصد گاز و ۲۶ درصد نفت وارداتی از روسیه است. اروپا سهمی ۳۷ درصدی در کل تجارت خارجی روسیه دارد.

نکته قابل‌توجه در موضع‌گیری‌های آمریکا و اتحادیه اروپا اما این بود که اقدام روسیه را نقض فاحش حقوق بین‌الملل اعلام کردند. اما گویا حمله نظامی به عراق، لیبی، یوگسلاوی، افغانستان، نقض فاحش حقوق بین‌الملل از جانب آن‌ها نبوده است. واقعیت این است که جنگ‌افروزی و توسعه‌طلبی قدرت‌های امپریالیست تابع هیچ قانون و قراردادی نیست. فرقی هم نمی‌کند که آمریکا و اروپا باشد، یا روسیه و چین. آنچه بر مناسبات آن‌ها حاکم و تعیین‌کننده است، زور و قدرت اقتصادی و نظامی است.

اما چرا امپریالیسم روس اکنون با خواسته‌های جدیدی در مقابل امپریالیست‌های آمریکائی و اروپائی قرار گرفته است؟ به این دلیل که موازنه قدرت میان امپریالیست‌ها پایدار نیست. همواره مبارزه‌های میان قدرت‌های امپریالیست بر سر

تقسیم اقتصادی و سیاسی جهان در جریان است. ناموزونی رشد اقتصادی و قدرت نظامی باعث می‌گردد که این توازن‌ها برهم بخورد. کشورهای که در یک مرحله قدرت بیشتری داشتند و سهم بیشتری از تقسیم اقتصادی و سیاسی بازارهای جهان نصیبشان شده است، عقب می‌مانند و قدرت‌های دیگری از نظر اقتصادی و نظامی رشد می‌کنند که خواهان تقسیم مجدد بازارهای جهان و سهم بیشتری از این بازارها می‌شوند. راه‌حلی هم برای حل تضادهای آن‌ها جز جنگ وجود ندارد. همان‌گونه که در طول صدسال گذشته دو جنگ بزرگ جهانی و صدها جنگ منطقه‌ای و کودتا برای حل این تضادها رخ داده است و میلیون‌ها انسان را کشتار کرده‌اند. از همین روست که جهان اکنون شاهد تشدید روزافزون تضاد میان بلوک امپریالیستی آمریکائی و اروپائی با دو قدرت امپریالیستی روسیه و چین است. اما تا جایی که اکنون مسئله روسیه در میان است، امپریالیسم روس پس از فروپاشی شوروی از نظر اقتصادی و نظامی شدیداً تحلیل رفت. قدرت نظامی آن از هم گسیخت و تسلیم بلوک آمریکائی و اروپائی شد. اکنون که قدرت اقتصادی و به‌ویژه نظامی خود را ترمیم کرده، موقعیت خود را در بخش آسیائی تحکیم نموده، با مداخله نظامی در گرجستان و به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و آبخازی مانع پیشروی رقیب در قفقاز جنوبی شد و بالاخره بی‌درسر کریمه را ضمیمه روسیه کرد، خواستار احیای روسیه بزرگ و باز پس گرفتن مناطقی در شرق اروپا است که پس از فروپاشی شوروی به تصرف اروپای غربی و آمریکا درآمده‌اند. بنابراین حمله نظامی روسیه به اوکراین پایان نزاع نیست، بلکه آغاز آن بر سر تجدید تقسیم اقتصادی و سیاسی جهان است. هم‌اکنون جمهوری‌های بالتیک، استونی، لتونی، لیتوانی پس از اوکراین هدف بعدی روسیه قرار گرفته‌اند. قدرت‌های رقیب روسیه یا باید به خواسته‌های پوتین تمکین کنند که این اتفاق نخواهد افتاد، همان‌گونه که در جریان وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم طرفین کوتاه نیامدند و جنگ‌های جهانی را برپا ساختند. شق دیگر آن جنگ ویرانگری خواهد بود که اگر انقلاب کارگری و جنبش‌های ضد جنگ جلو آن‌ها را نگیرد و کار به استفاده از سلاح هسته‌ای کشیده شود، فاجعه‌ای جهانی رخ خواهد داد.



یکشنبه های اعتراض، استوارتر از پیش در کف خیابان ها



تامین اجتماعی استان برگزار شد. در تهران بازنشستگان مخابرات ورودی ساختمان شرکت مخابرات را بستند و در رشت نیز بازنشستگان با پهن کردن سفره خالی شعار "ظلم و ستم کافیه، سفره ما خالیه" سر دادند.

"زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، اسماعیل گرامی آزاد باید گردد"، "نه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت" و "رئیس دروغگو، حاصل وعده هات کو" از جمله شعارهایی بودند که بازنشستگان در تجمعات سراسری خود سر دادند.

بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی که متجاوز از ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر هستند و بخش زیادی از آنان حتی حداقل بگیر هم نیستند، همانند معلمان زحمتکش ایران سال هاست بی حقوقی خود را فریاد می زنند، دیر زمانی است با حق بازنشستگی چندین برابر زیر خط فقر زندگی می کنند، سال هاست نسبت به عدم تحقق خواست های صنفی و معیشتی شان اعتراض دارند و بیش از یک دهه است که بر افزایش و ترمیم مزد و مستمری، اجرای همسان سازی واقعی و برخورداری از بیمه کارآمد به عنوان بخشی از مطالبات شان پافشاری می کنند.

پاسخ جمهوری اسلامی اما در تمامی این سال ها، بجز دروغ و نیرنگ و فریب، بجز وعده های توخالی، بجز سردواندن آنان از این سال به آن سال، از این کابینه به آن کابینه، چیزی دیگری نبوده است. حاصل تمامی وعده های دروغین جمهوری اسلامی و عدم پاسخگویی رژیم به مطالبات برحق بازنشستگان، آن شد، که آنان دست کم از سال ۹۹ تا به امروز، با سر دادن شعار "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، به خیابان آمده اند و با برپایی یکشنبه های اعتراضی تحقق خواست های خود را طلب می کنند. یکشنبه های اعتراضی که هر بار با عزمی استوارتر و با کمیت و کیفیتی پربارتر از پیش برگزار شده اند. تا جایی که دست کم در یک سال گذشته کمتر ماهی را شاهد بوده ایم که بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی چندین اعتراض سراسری را سازمان نداده باشند. اعتراضاتی که پیوسته متشکل تر، سازمان یافته تر و رادیکال تر شده اند و در ماه های اخیر خصلت سیاسی این اعتراضات نیز به نحو آشکاری برجسته تر شده است. نمونه های برجسته آن اعتراضات بازنشستگان فولاد اهواز و نوب آهن اصفهان در هفته های گذشته بود.

نکته قابل توجه اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی، همانا تاکید آنان بر گستردگی وحدت مبارزاتی، پیشروی در امر تشکل یابی و سازماندهی هرچه با شکوه تر اعتراضات خیابانی است. امری که همواره بدان تاکید شده و اکنون در بخشی از قطعه نامه پایانی تشکل های مستقل بازنشستگان ایران در تجمعات سراسری روز یکشنبه ۸ اسفند، با تاکید بر وحدت

مبارزاتی این چنین بازتاب یافته است: "قدرت متحد کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر زحمتکشان، پتانسیل بالقوه ای است که خشم و بیزاری از شرایط فلاکتناپذیر موجود را در خود نهفته دارد و هیچ قدرتی یارای مقاومت در مقابل آن را ندارد".

تاکید ۳۱ تشکل مستقل بازنشستگان ایران بر وحدت مبارزاتی، البته فقط مختص به قطعه نامه پایانی اعتراضات سراسری هشتم اسفند نبوده و ما پیشرفت عملی این نگاه را در زمینه های دیگر هم شاهد بوده ایم. روند گستردگی مبارزات آنان و سازماندهی بهتر یکشنبه های اعتراض نیز گواه دیگری بر این نگرش درست مبارزاتی بازنشستگان تامین اجتماعی است که به روشنی در تجمعات سراسری ماه های اخیر آنان تجلی یافته است.

اگر در آغاز روی آوری بازنشستگان به مبارزات خیابانی، فقط نام چند تشکل صنفی بازنشستگان در پای فراخوان های آنان دیده می شد، اکنون اوضاع به نحوی تغییر کرده است که تعداد امضا کنندگان فراخوان یا امضا کنندگان قطعه نامه های پایانی یکشنبه های اعتراضی، به سی و چند تشکل مستقل بازنشستگان رسیده است. این شکل از وحدت مبارزاتی بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی سبب شده تا یکشنبه های اعتراضی متحدانه تر و گسترده تر از پیش سازماندهی شوند. نتیجه عینی این وحدت و همدلی و پیکار مشترک آنان، اکنون در استواری گام های مبارزاتی شان، افزایش شهرهای اعتراضی، رادیکالتر شدن اشکال مبارزه و همچنین در گستره مطالبات ضروری و برحق شان تجلی یافته است.

مطالبات بازنشستگان تامین اجتماعی که در آغاز عمدتاً حول خواست هایی نظیر افزایش و ترمیم مستمری، اجرای همسان سازی واقعی و برخورداری از بیمه کارآمد متمرکز بود، اکنون به ۱۰ مطالبه عمده رسیده است که هر بار در قطعه نامه های پایانی یکشنبه های اعتراض بر تحقق آن ها تاکید می شود.

تعیین مزد بر مبنای هزینه های واقعی زندگی که متناسب با هزینه های واقعی و افزایش آن طبق تورم واقعی جامعه باشد، تامین بیمه درمانی کارآمد و رایگان طبق ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی (قانون الزام) و انحلال بازار بیمه تکمیلی، دریافتی مستمری بگیران از جمله بازماندگان و از کارافتادگان نباید کمتر از حداقل مزد پیشنهادی تشکل های مستقل کارگری و بازنشستگان باشد، پرداخت فوری دیون دولت بالغ بر ۴۰۰ هزار میلیارد تومان به صندوق تامین اجتماعی، کوتاه نمودن دست دولت از صندوقی که دولتی نیست و تمام اموالش متعلق به بازنشستگان می باشد، اجرای همسانسازی کامل حقوق بازنشستگان، احتساب سابقه ارفاقی مشاغل سخت و زیان آور همچون سابقه

استحقاقی در متناسب سازی حقوق سال ۹۹ بازنشستگان و پرداخت معوقه آن، مدیریت و نظارت بر صندوق های بازنشستگی و سازمان تامین اجتماعی توسط نمایندگان منتخب و مستقل بازنشستگان، پرداخت یکسان عیدی کارگری اعم از شاغل و بازنشسته به میزان دو ماه حقوق، و در نهایت آزادی بی قید و شرط تمامی فعالان بویژه اسماعیل گرامی، از جمله مطالبات ۱۰ گانه آنان است که در قطعه نامه پایانی تشکل های مستقل بازنشستگان ایران در تجمع سراسری روز ۸ اسفند ۱۴۰۰، تجلی یافته است.

بی تردید، تحقق مطالبات بازنشستگان تامین اجتماعی و آنچه را که آنان سال هاست فریاد می زنند، حق مسلم همه بازنشستگان است. این حق عموم بازنشستگان است که پس از سی سال کار و زحمت و تلاش، سی سال پرداخت بموقع حق بیمه مستمر و مالیات، دوران بازنشستگی را با آرامش و آسایش خیرال سر کنند و در سال های باقی مانده عمر، از داشتن یک زندگی مناسب و انسانی برخوردار باشند. جمهوری اسلامی اما این حداقل های یک زندگی مناسب را از آنان دریغ کرده است. روشن است تحمل این وضعیت نابسامان برای بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی و سایر بازنشستگان ایران دیگر ممکن نیست و کارد به استخوان شان رسیده است.

شرایط سخت زندگی و عدم تامین حداقل نیازهای معیشتی بازنشستگان، بیگماری های دولت از صندوق بازنشستگی، بی توجهی هیئت حاکمه نسبت به تحقق مطالبات آنان، سرکوب و بگیر و ببند و زندانی کردن فعالین تشکل های مستقل بازنشستگان و ده ها معضل دیگر، مجموعه شرایطی را برای بازنشستگان تامین اجتماعی و سایر بازنشستگان ایجاد کرده است که برای آنان هیچ راهی بجز وحدت و همدلی و گسترش هرچه باشکوه تر مبارزات خیابانی باقی نمانده است.

اعلام ورشکستگی دولت هرگز نمی تواند راه فراری برای عدم پاسخگویی جمهوری اسلامی به مطالبات ضروری و برحق بازنشستگان باشد. در همین شرایطی که فریاد بی پولی و ورشکستگی دولت توسط ابراهیم رئیسی جار زده می شود، چمدان چمدان پول برای نیروهای تروریست وابسته به جمهوری اسلامی در عراق و سوریه و یمن و لبنان ارسال می شود. اما نوبت به کارگران، معلمان و بازنشستگان که می رسد، دولت ته جیب خالی اش را به آنان نشان می دهد

در صفحه ۵

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

ترس و وا همه جمهوری اسلامی از شبکه‌های اجتماعی

مجلس، کارگران مبارز هفت‌تپه در تجمع خود با شعار "حامی مفسد هستند از اینترنت می‌ترسند" آگاهی توده‌های جان به لب رسیده را از هدف حکومت به تصویر کشیدند.

این طرح که ابتدا "صیانت از کاربران فضای مجازی" نام داشت و سپس نام "قانون حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی" را به خود گرفته بود، در کمیسیون "مشترک" مجلس به "نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی" تغییر نام داد.

در حالی که دستور کار مجلس اسلامی در جلسات صبح و عصر روز سه شنبه سوم اسفند رسیدگی به بودجه ۱۴۰۱ بود، در فاصله بین دو جلسه، کمیسیون "مشترک" جلسه‌ای کوتاه برگزار کرد و در کمتر از ۳۰ دقیقه طرح را با ۱۹ رای مثبت به تصویب رساند. در جریان تصویب این طرح به هیچ کس از جمله نماینده مرکز پژوهش‌های مجلس اجازه صحبت داده نشد و تنها یک نماینده مخالف اجازه یافت به مدت ۳ دقیقه حرف بزند. این‌گونه ۱۹ نماینده که مجموع آرای آن‌ها در جریان "انتخابات" مجلس اسلامی با آن همه تقلب و آرای قلابی ۵۲۲ هزار رای شده بود، به نام ۸۵ میلیون نفر کلیات طرح را تصویب کردند!! طرحی که اساس آن همان طرحی‌ست که برای اولین بار در ۹ بهمن ۱۳۹۹ از آن رونمایی شده بود و به دلیل بازتاب بسیار منفی آن، بویژه با توجه به "انتخابات ریاست‌جمهوری" که قرار بود چند ماه بعد برگزار شود، برای مدتی به زیر میز رفت.

اما ماجرا پایان نیافت و روز بعد مجلس اسلامی به صحنه مخالفت با این طرح تبدیل شد. ابتدا معاون قوانین مجلس، با زیر سوال بردن نحوه تصویب قوانین، آن را مغایر با قانون دانست. در ادامه خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران از تهیه‌ی نامه‌ای با امضای ۱۹۰ نماینده برای برگرداندن طرح به صحن مجلس خبر داد. براساس تبصره دو ماده ۱۶۷ آیین‌نامه داخلی مجلس اسلامی اگر حداقل پانزده نفر از نمایندگان مجلس تقاضای لغو رسیدگی طرح یا لایحه طبق اصل ۸۵ قانون اساسی را تا قبل از تأیید شورای نگهبان داشته باشند، این درخواست در همان جلسه اعلام وصول شده و در جلسه بعد در صحن مجلس مطرح و در صورت تصویب رسیدگی لایحه به صحن مجلس بازمی‌گردد.

در آن سو اما اعضای کمیسیون با سخنانی تند آتش حمله به مخالفان طرح را برافروختند. عنایستانی در گفت‌وگو با خبرنگار همشهری گفت: "مصوبه‌ای که تصویب شده اراده مجلس است و اراده مجلس هم اراده ملت و هیچ کسی نمی‌تواند آن را باطل اعلام کند. معاونت قوانین خلاف‌گویی کرده و بیش از اندازه حرف زده است. در شأن معاونت قوانین نیست که بگوید مصوبه نمایندگان مجلس قانونی است یا نیست. معاونت مجلس خیلی خیلی حرف بی‌جایی زده و اصلاً مجلس زیر بار این حرف‌ها نخواهد رفت." او همچنین درباره ضرورت کنترل فضای مجازی گفت: "برای یک رانندگی ساده و حرکت

خودروها در شهر ده‌ها قانون و مقررات برای حفظ حقوق شهروندان و برهم نریختن شهر وجود دارد"، و البته به یاد داشته باشیم او همان نماینده‌ای است که وقتی یک سرباز وظیفه راهور به دلیل رانندگی غیرمجاز در خط ویژه اتوبوس ماشین وی را متوقف کرد، به گوش سرباز وظیفه سیلی زد!!

فلاحی یکی دیگر از اعضای کمیسیون نیز گفت: "خبر باطل اعلام شدن تصویب کلیات طرح کاملاً کذب است و کلیات طرح صیانت به طور کامل به تصویب رسیده است. هیچ‌کس نمی‌تواند رای نماینده را باطل کند! معاونت قوانین مجلس و مرکز پژوهش‌ها جایگاه خدماتی و مشاوره‌ای دارند و اصلاً نمی‌توانند رای نمایندگان را باطل کنند! در حال حاضر کمیسیون مشترک در جایگاه صحن عمل می‌کند. همه نمایندگان من جمله همین دوستان دو بار در صحن رای دادند و همه چیز را به کمیسیون مشترک سپردند."

رضا تقی‌پور رئیس کمیسیون "مشترک" مجلس که در دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد مدتی وزیر ارتباطات بود و در جریان "انتخابات ریاست‌جمهوری" نیز مسئولیت فضای مجازی ستاد انتخاباتی ابراهیم رئیسی را برعهده داشت، در پاسخ به نامه معاونت قوانین مجلس در مورد تغییرات در طرح گفت: "این تغییرات به دنبال برگزاری جلسه‌ای با حضور رییس مجلس، معاون قوانین مجلس، رییس مرکز ملی فضای مجازی و وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در این طرح اعمال شده است."

اما روز بعد یعنی ۵ شنبه ۵ اسفند مشخص شد که اگرچه نمایندگان موافق طرح در این شکل و شمایل در کمیسیون "مشترک" دست بالا را دارند، اما در مجلس طیف مقابل قدرتمندتر است. در این روز هیات‌رئیس مجلس با برگزاری جلسه‌ای نظر معاون قوانین مجلس را تأیید کرده و مصوبه کمیسیون "مشترک" را باطل اعلام کرد. موسوی سخنگوی هیات رئیسه گفت: "با توجه به این که هم اکنون جلسات صحن علنی مجلس به صورت ۳ شیفته به بررسی لایحه بودجه اختصاص دارد هرگونه تصمیم‌گیری درباره ادامه بررسی طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی به بعد از بررسی بودجه موکول می‌شود."

اما این طرح چیست؟

براساس این طرح نیروهای نظامی و در راس آن‌ها سپاه پاسداران نقش ویژه‌ای در کنترل فضای مجازی برعهده خواهند گرفت و نقش وزارت ارتباطات به امور اجرایی و فنی خلاصه می‌شود. به عبارت دیگر مجری "اوامر" نیروهای نظامی خواهد بود.

احراز هویت کاربران در فضای مجازی، ممنوعیت استفاده از فیلترینگ و پیش‌بینی مجازات زندان برای استفاده کنندگان از فیلترشکن‌ها، از دیگر موارد این طرح هستند که به نام "صیانت" از کاربران، هدفی جز شناسایی کاربران برای به بندکشیدن‌شان ندارد. در این طرح شبکه‌های اجتماعی پرترفداری چون

اینستاگرام برای فعالیت در ایران باید مجوز دریافت کنند و برای گرفتن مجوز ضمن ایجاد دفتر در ایران، باید سرورهای خود را به ایران منتقل کرده و نهادهای نظامی و قضایی باید بتوانند به محتویات تمامی پیام‌ها دسترسی داشته و آن‌ها را کنترل و تفتیش کنند. این پیام‌رسان‌ها همچنین موظف به سانسور و حذف مطالبی هستند که مقامات جمهوری اسلامی به آن‌ها اعلام می‌کنند. شرایطی که هیچ‌کدام از شبکه‌های اجتماعی همچون اینستاگرام و یا واتس‌آپ حاضر به پذیرش آن نخواهند بود، همان‌گونه که تلگرام حاضر به پذیرش شرایط حکومت نشد.

بنابراین آنچه می‌ماند همان ایجاد "شبکه ملی اطلاعات" (اینترنت ملی) و جایگزین کردن پیام‌رسان‌ها و اپلیکیشن‌های ساخت شرکت‌های وابسته به مقامات حکومتی با شبکه‌های اجتماعی پرترفداری همچون اینستاگرام است. مقامات جمهوری اسلامی در این رابطه به مدل چین اشاره می‌کنند و حتا در قرارداد ۲۵ ساله با چین از جمله مواردی که مطرح شده، کمک چین به جمهوری اسلامی برای راه‌انداختن "اینترنت ملی" است. اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی نه از نظر اقتصادی قابل مقایسه با چین است، نه امکانات دولت چین را دارد، نه دانش فنی و نه زیرساخت‌های مناسب این کار را. حتا اگر دولت چین به جمهوری اسلامی در این زمینه کمک کند، جدا از هزینه چندین میلیارد دلاری آن و وابستگی بیشتر سیاسی و اقتصادی ایران به چین، سال‌ها طول می‌کشد تا جمهوری اسلامی بتواند "شبکه ملی اطلاعات" را راه‌اندازی کند. جدا از این‌که آیا عمر جمهوری اسلامی به این سال‌ها می‌رسد، دیگر واقعیت مهم این است که با شتاب فراوان رشد تکنولوژی در این زمینه که یک مورد آن اینترنت ماهواره‌ای است، این سوال وجود دارد که اساساً این طرح می‌تواند نتیجه‌ای برای جمهوری اسلامی ببار آورد یا نه؟! این را هم در نظر داشته باشیم که حتا اگر همین امروز هم جمهوری اسلامی قادر به ایجاد "شبکه ملی اطلاعات" می‌بود، باز روش‌های گوناگونی برای دور زدن این شبکه و وصل شدن به شبکه‌های اجتماعی خارجی همچون اینستاگرام یا استفاده از گوگل و غیره وجود دارد، همان‌طور که حتا در چین نیز این امکان موجود است.

در واقع اختلاف شدید در مجلس اسلامی بر سر این موضوع نیز ریشه در همین سوال دارد که آیا با این طرح می‌توان به اهداف مد نظر حکومت رسید یا این‌که تصویب این طرح تنها به نارضایتی و تنفر بیشتر مردم از حکومت دامن می‌زند، بدون آن‌که تأثیر چندانی در کنترل فضای مجازی داشته باشد؟! واقعیت این است که کنترل فضای مجازی برای حکومتی که ادامه حیات‌اش به سرکوب و سانسور وابسته است، یک مساله بسیار مهم است.

عباس سلیمی نمین در گفت‌وگو با خبرنگاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران می‌گوید: "مشکل اصلی ما در این زمینه صرفاً قانون نیست، طبعاً آنچه را که در اقدام مجلس وجود دارد در حکم رهبری به شورای عالی فضای مجازی می‌توان مشاهده کرد". جدا از این‌که در دو سال اخیر به نوشته‌ی روزنامه‌های داخل کشور تاکنون بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان به بهانه‌ی ایجاد

یکشنبه‌های اعتراض، استوارتر از پیش در کف خیابان‌ها



و به این بهانه از پاسخگویی به مطالبات بر حق شان طرفه می‌رود. روشن است این سیاست نخ نمای دولت کمترین تأثیری در روند رو به گسترش مبارزات کارگران، بازنشستگان، معلمان و سایر اقشار زحمتکش ایران نداشته و آنان استوارتر از پیش تا رسیدن به خواست‌های شان به مبارزه ادامه خواهند داد. پوشیده نیست که تحقق این امر نیز بدون گسترش تشکل‌های یابی، سازماندهی تجمعات اعتراضی گسترده‌تر و همگامی با سایر جنبش‌های اعتراضی ممکن نخواهد بود.

هم‌اینک ضرورت ایجاد تشکل‌های مستقل و گسترش آن در ابعاد سراسری نه فقط برای کارگران، بلکه برای بازنشستگان هم امری حیاتی و ضروری است. در شرایط موجود، تشکل‌های یابی و سازماندهی پیشرفته‌تر مبارزات خیابانی و گسترش و تداوم آن برای بازنشستگان تأمین اجتماعی و سایر بازنشستگان به امری حیاتی تبدیل شده است. امری که ضرورت و تداوم آن در چندین قطعه‌نامه پایانی یکشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان این چنین تجلی یافته است: در بستر خیابان بهم می‌پیوندیم تا خواب و آرامش کسانی که با تسخیر قدرت، ثروت عمومی را در اختیار گرفته و بی‌محبا همچون غنایم جنگی بین خود تقسیم می‌کنند را بر هم زده و هشدار می‌دهیم که ما بیداریم و تا رفع تبعیض و دستیابی به زندگی مناسب و بی‌دغدغه، آرام نخواهیم گرفت. ما بازنشستگان اعلام می‌داریم که کاسه صبرمان از این همه بیداد، بی‌توجهی و شکاف طبقاتی لبریز شده و قصد باز ایستادن و انفعال در این شرایط جهانی را نداریم و برای برون رفت از این فلاکت روزافزون تا حصول نتیجه، همصدا و منسجم علیه این تبعیض ویرانگر فریاد خواهیم زد.

بی‌تردید، در شرایطی که طبقه حاکم با عمیق‌ترین بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوران حیات خود مواجه است، در وضعیتی که سیاست‌های هیئت حاکمه از هر سو با شکست مواجه شده است، در وضعیتی که شکاف و از هم گسیختگی درونی نهادهای جمهوری اسلامی را فرا گرفته است، در شرایطی که اعتراضات و اعتصابات کارگری روز بروز افزایش می‌یابد و جنبش اعتراضی معلمان روز از پی روز شکوفاتر می‌شود، جنبش اعتراضی بازنشستگان نیز در همگامی و پیوند با سایر جنبش‌های اجتماعی قادر است یکشنبه‌های مبارزاتی خود را تا حصول نهایی استوارتر از پیش تداوم بخشد.

ترس و وا همه جمهوری اسلامی از شبکه‌های اجتماعی

برای نمونه روزنامه‌های "اصلاح‌طلب" تقابل و اختلاف در مجلس را به "تندروی‌های اعضای جبهه پایداری" نسبت می‌دهند، اما این یک دروغ آگاهانه و بزذلانه است.

زمانی که همین مجلس تصویب طرح را به "کمسیون مشترک" واگذار کرد، خضریان از نمایندگان مجلس اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس فاش ساخت که پیش از تصمیم مجلس، رئیس مجلس در جلسه‌ای در فراکسیون اصلی و تصمیم‌گیرنده مجلس از واگذاری تصویب این طرح به "کمسیون مشترک" حمایت کرده و باعث تصویب این طرح شد و البته شکی نیست که قالیباف به دلیل نظر موافق خامنه‌ای این کار را کرده بود. واقعیت این است که خامنه‌ای بارها و بارها از "ول بودن شبکه‌های اجتماعی" نالیده و به هر بهانه‌ای خواستار محدود کردن شبکه‌های اجتماعی شده است. در این اواخر ابراهیم رئیسی در جلسه کابینه حتی گرانی را نیز به گردن شبکه‌های اجتماعی انداخت!!

اما به‌رغم همه‌ی این تاکیدات خامنه‌ای اگر اختلافات تا این حد رشد می‌کند، آن‌هم در مجلس اسلامی محبوب خامنه‌ای، بیان‌گر عمق بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکم است. بحرانی که ترس بر اندام مزدوران و مقامات حکومتی انداخته، اتوریته‌ی خامنه‌ای در درون هیئت حاکمه را بیش از هر زمان دیگر به چالش کشیده و از حاکمیت یکدست چیزی باقی نگذاشته، همان‌طور که در اختلافات بر سر لایحه بودجه ۱۴۰۱ نیز به‌خوبی این شکاف هویداست.

شبکه‌های اجتماعی از آن رو برای رژیم معضل شده‌اند که دیوار بلند سانسور در جمهوری اسلامی را شکسته‌اند. شبکه‌های اجتماعی در انتشار اخبار و حتی بالابردن آگاهی توده‌ها نقش مهمی داشته‌اند. شبکه‌های اجتماعی حتی در سازماندهی اعتراضات نیز نقش دارند، از اعتصابات کامیونداران تا اعتراضات معلمان و بازنشستگان. شبکه‌های اجتماعی ثروت، زندگی مجلل و فساد مقامات حکومتی را افشا کردند. شبکه‌های اجتماعی فقر، بیکاری و دیگر معضلات اجتماعی را که نتیجه نظم حاکم و پاسداران این نظم یعنی جمهوری اسلامی است با انتشار فیلم و خبر در برابر چشمان همگان قرار دادند. شبکه‌های اجتماعی جنایات رژیم را با انتشار فیلم‌ها ثبت کردند. این عملکرد شبکه‌های اجتماعی است که رژیم را به هراس انداخته است. این شکستن دیوار سانسور است که خامنه‌ای را این‌قدر عصبانی کرده است.

فلاحی نماینده مجلس اسلامی و از اعضای "کمسیون مشترک" به روشنی به این مساله

"اینترنت ملی" به جیب برخی از شرکت‌های وابسته به مقامات حکومتی رفته و تاکنون هیچ نتیجه‌ای به همراه نداشته است، به‌گفته‌ی وی باید این را نیز اضافه کرد که هم اکنون اتهام تعداد قابل توجهی از زندانیان سیاسی، فعالیت‌های‌شان در شبکه‌های اجتماعی است.

این را نیز به‌خوبی می‌دانیم که اساساً قوه قضاییه و یا نیروهای سرکوب همچون اطلاعات سپاه و غیره برای دستگیری مخالفان احتیاج به قانون ندارند و با اتهام همیشگی "اقدام علیه امنیت ملی" هر کسی را که می‌خواهند دستگیر و به زندان و حتی اعدام محکوم می‌کنند. اما مساله این است که رژیم کنترلی بر این شبکه‌ها ندارد. اگر کسی را دستگیر کند و موبایل و کامپیوترش را جستجو کند به مواردی دست می‌یابد و در غیر این صورت این امکان را ندارد. این طرح می‌خواهد این امکان، یعنی امکان کنترل فضای مجازی را برای رژیم مهیا کند، اما به نظر می‌آید که این معضلی غیرقابل حل برای رژیم باشد.

برای نمونه فیلتر کردن "اینستاگرام" که حدود ۴۸ میلیون ایرانی عضو آن هستند و معیشت بیش از یک میلیون نفر به آن وابسته است و با برخی از اپلیکیشن‌های پرطرفدار برای رژیم مشکل شده است، چرا که هم بخشی از اقتصاد وابسته به این شبکه‌هاست و هم جمعیت بسیار بزرگی حتی برای ارتباطات خانوادگی از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند و هرگونه تلاش رژیم برای فیلتر کردن آن‌ها منجر به گسترش ناراضایتی و حتی اعتراضات می‌شود. بنابراین رژیم که نمی‌تواند این شبکه‌ها را مجبور به تن دادن به خواست خود بکند، می‌خواهد اپلیکیشن‌های خود را جایگزین آن‌ها کند اما این کار نیز غیرممکن است و مردم به آن تن نخواهند داد و از نظر اقتصادی نیز ممکن نیست. به عبارتی به کلافی سردرگم برای رژیم تبدیل شده است. فیلترینگ هم البته نشان داده است که کارساز نخواهد بود همان‌طور که فیلتر تلگرام نتیجه‌ای برای رژیم به دنبال نیاورد. بنابراین تنها راه واقعی برای رژیم همان قطع اینترنت یا کاهش سرعت آن است که هم در جریان قیام آبان ۹۸ دیدیم و هم در جریان اعتراضات خوزستان و اصفهان و البته این امکان نیز ممکن است با پیشرفت‌هایی در تکنولوژی از رژیم گرفته شود.

اما نکته مهم دیگری که باید بر آن انگشت گذاشت و روزنامه‌های اخته ایران از آن آگاهانه چشمپوشی می‌کنند این است که این طرح در واقع خواست و رویای خامنه‌ای است و اگر امروز با چنین بن‌بستی در مجلس اسلامی روبرو شده باید علت آن را جستجو کرد، آن‌هم در مجلسی که خامنه‌ای آن را "انقلابی‌ترین" مجلس نامیده بود.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با
یک اعتصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه برانداخت**

جهت‌گیری مبارزه و تشکل مستقل فرهنگیان



اما نخستین فراخوان و نخستین تجمع سراسری در سال تحصیلی جدید بود.

شورای هماهنگی خواهان مشارکت گروه‌های بیشتری از معلمان در تجمعات می‌شود. بیانیه‌ها و قطعنامه‌های شورای هماهنگی هر بار با ترغیب مشارکت هرچه بیشتر و ترغیب به همبستگی و کار متشکل همراه است. فعالیت‌های سازمان‌گرا نه شورای هماهنگی در سطح سراسری پررنگ‌تر می‌شود. در تجمعات بعدی شهرهای بیشتری به اعتراض می‌پیوندند. به‌زودی رقم ۴۵ شهر پشت سر گذاشته می‌شود و در مواردی تا ۳۰۰ شهر و منطقه و روستا به اعتراض و تجمع سراسری می‌پیوندند. رژیم حاکم و دستگاه سرکوب آن‌که از فعالیت‌های هماهنگ و متشکل معلمان برآشفته و به هراس افتاده تمام تلاش خود را برای تخریب و انهدام شورای هماهنگی و تشکل‌های مستقل معلمان به کار می‌بندد. پرونده‌سازی علیه فعالان جنبش اعتراضی معلمان تشدید می‌شود. کیهان شریعتمداری و محافل مشابه، برای مقهور و از صحنه خارج ساختن معلمان طبق معمول وارد سناریوسازی می‌شوند و علیه تشکل سراسری معلمان سمپاشی می‌کنند. وزیر آموزش و پرورش تحت پوشش و بهانه مذاکره با معلمان تلاش می‌کند در میان معلمان تفرقه و دودستگی ایجاد کند. شورای هماهنگی هوشیارانه این رویدادها را دنبال نموده و این تلاش‌های مذبحخانه را افشا می‌کند. شورای هماهنگی در بیانیه تحلیلی خود مورخ ۷ دی می‌نویسد: "حکومت و مخالفان تشکل یابی صنفی به اشکال مختلف سعی در انحراف و انهدام تشکل‌ها داشته‌اند. غیرقانونی خواندن تا سناریوسازی بخشی از این اقدامات است این در حالی است که همه می‌دانند کانون‌ها و انجمن‌های صنفی فرهنگیان دارای شناسنامه و قانونی هستند و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اعتبار خود را از این اعضای رسمی و قانونی می‌گیرد" شورای هماهنگی در عین حال رهنمودهای خود را در زمینه مشارکت بیشتر معلمان در تجمعات و پیوستن به تشکل‌های استانی و شهرستان، پله دیگری ارتقا داده و می‌نویسد: "ما از فعالان صنفی در استان‌های مختلف که تشکل فعال ندارند می‌خواهیم کانون یا انجمن صنفی تشکیل دهند و زیر نظر شورای هماهنگی مجمع عمومی برگزار نموده و نمایندگان خود را انتخاب کنند". به‌موازات رشد و گسترش اعتراضات معلمان،

در صفحه ۷

یک دهه اخیر از جمله مبارزات شکوهمند فرهنگیان در سال جاری نیز گویای همین واقعیت است.

نگاهی گذرا به مبارزات معلمان گویای این واقعیت است که معلمان کشور و تشکل‌های مستقل سازمان‌گر این مبارزات در مسیری بالنده گام نهاده‌اند و در سال تحصیلی جاری پیشرفت‌های ملموس قابل‌توجهی داشته‌اند. این پیشرفت‌های ملموس را در چندین عرصه می‌توان دید و برشمرد.

اگر از چند حرکت اعتراضی معلمان در قبل از مهرماه سال جاری از جمله در شهرویرماه صرف‌نظر کنیم که شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان (از این پس شورای هماهنگی) از آن حمایت نمود و در گزارش اختصاصی خود در ۵ مهر به‌عنوان "اعتراضات متشکل و خودجوش" از آن یاد کرده بود، تمام اعتراضات و تجمعات سراسری بعد از آن از یک سازمان‌دهی نسبتاً خوب و مرکزی برخوردارند. شورای هماهنگی در بیانیه‌ای در آستانه شروع سال تحصیلی از معلمان سراسر کشور خواست "برای همبستگی هرچه بیشتر، به کانون‌ها و انجمن‌های صنفی شهرستان و استان خود بپیوندند" برای تشکیل صنف شهرستان خود اقدام نموده و با دبیرخانه شورای هماهنگی در تماس باشند. شورای هماهنگی اعلام کرد به‌زودی سلسله برنامه‌های اعتراضی را در دستور کار قرار داده و فراخوان تجمع سراسری و هماهنگی را اعلام خواهد نمود. نخستین فراخوان برای تجمع از این دست، فراخوان تجمع سوم مهر بود که با استقبال وسیع معلمان روبرو



شد. از پی آن سلسله اعتراضات و تجمعات سراسری یکی پس از دیگری سازمان یافت و هر بار در جریان عمل صیقل خورد. در فاصله کمتر از شش ماه (از سوم مهر تا سوم اسفند ۱۴۰۰) هر بار که شورای هماهنگی فراخوان داده است، معلمان از آن استقبال نموده و یازده بار در مقیاس سراسری دست به اعتراض و تجمع زده‌اند. برپایی دست‌کم دو تجمع در هر ماه با مشارکت هزاران معلم در سراسر کشور اقدامی بسیار مهم و در نوع خودش کم‌نظیر و نشان‌دهنده پیشرفت جنبش اعتراضی معلمان است. مطابق گزارش شورای هماهنگی تجمع سوم مهر در بیش از ۴۵ شهر برگزار شد. این

مبارزات گسترده معلمان بدون لحظه‌ای توقف ادامه دارد. کسی در فکر فرهنگیان و معلمان زحمتکش نیست. دولت ارتجاعی حاکم و تاریک‌اندیشان ضد فرهنگ، ارزش و اعتباری برای فرهنگیان قائل نیستند و هر بار به بهانه‌ای از پذیرش خواست‌های معلمان طفره می‌روند. کابینه‌ها می‌آیند و می‌روند، نمایندگان مجلس هر چند سال یکبار عوض می‌شوند،



رئیس‌جمهور و رئیس مجلس و قوه قضاییه جابجا می‌شوند و گاه وعده‌هایی به معلمان می‌دهند. در عمل اما هیچ‌گرمی از مشکلات این قشر زحمتکش را باز نمی‌کنند. نه تنها یک گام جدی و عملی به سود صدها هزار فرهنگی بر نمی‌دارند که حتی از اجرای مصوبات همین دستگاه حکومتی آنجا که اندکی به سود فرهنگیان است آشکارا امتناع می‌ورزند. طرح رتبه‌بندی معلمان شاعل یک نمونه است و همسان‌سازی بازنشستگان مطابق قانون مدیریت خدمات کشوری که چندین سال به تعویق افتاده، نمونه‌ای دیگر. در عوض هر بار که معلم دست به اعتصاب و تجمع زده، وارد خیابان شده و علیه این ظلم و حق‌کشی آشکار صدای اعتراض خویش را بلند کرده است، ماشین سرکوب رژیم علیه معلمان به راه افتاده است. افزون بر استفاده از روش‌های فریبکارانه و توسل به انواع دروغ و ریاکاری، با احضار و تهدید و بازداشت و حبس معلمان، سعی کرده است معلمان مبارز و حق‌طلب را از اعتراض بازدارد و آنان را از خیابان به کنج مدارس و خانه‌ها رانده و خاموش سازد. دولت همچنین تلاش کرد از طریق اعمال فشار بر مدیران مدارس، مانع حضور معلمان در تجمعات اعتراضی شود. در این مورد حتی بخشنامه رسمی نیز صادر کرد و از مدیران خواسته شد هرگونه عدول از این دستور را در اسرع وقت به حراست گزارش کنند. اما هیچ‌یک از این ترفندها کارساز نشد. مرتجعین فرهنگ ستیز جاهل و خدعه‌گر حاکم، نه توانسته‌اند معلمان را فریب دهند و نه قادر بوده‌اند آنان را از کف خیابان به گوشه مدارس و خانه‌ها برانند و آن‌ها را خاموش سازند. ارتجاع حاکم در این هردو زمینه، باشکست و ناکامی مطلق روبرو شده است. تمام شواهد و مبارزات معلمان در

زنده باد سوسیالیسم

جهت‌گیری مبارزه و تشکل مستقل فرهنگیان



نیز منافع معلمان بیکجا دفاع نموده است.

موضوع بسیار مهم و برجسته دیگری که در قطعنامه‌ها و تجمعات سراسری معلمان به چشم می‌خورد، طرح خواست‌های معلمان غیررسمی شامل معلمان خرید خدمتی، معلمان مدارس غیرانتفاعی، معلمان شرکتی، پیمانی، قراردادی، حق‌التدریسی، نهضتی، پیش‌دبستانی و غیره است. در این قطعنامه‌ها یک‌بند کامل به این گروه بزرگ از معلمان اختصاص‌یافته و از آنان حمایت‌شده است. برای نمونه در قطعنامه پایانی تجمع سراسری ۲ دی ۱۴۰۰ شورای هماهنگی در این مورد می‌نویسد: "باید حقوق معلمان بخش خصوصی در مدارس غیردولتی، معلمان نهضت سوادآموزی، خرید خدمات، نیروهای خدماتی و سایر بخش‌ها با توجه به رتبه‌بندی افزایش یابد. ما نسبت به این‌همه تضییع حقوق و ستم به فرهنگیان بیزاریم و در مقابل این‌همه ستم سکوت نمی‌کنیم."

همه‌ی این روندها و جهت‌گیری‌ها حاکی از رشد و ارتقاء آگاهی سیاسی در صفوف معلمان و حاکی از ارتقاء درجه سازمان‌یافتگی جنبش اعتراضی و قوام‌گیری تشکل‌های صنفی معلمان به‌ویژه تشکل سراسری و هماهنگ‌کننده مبارزات معلمان، شورای هماهنگی است.

این پیشرفت‌های انکارناپذیر جنبش معلمان اما به معنای انکار کسر و کمبودهایی که این جنبش از آن رنج می‌برد نیست. هنوز بخش زیادی از معلمان در تجمعات سراسری شرکت نمی‌کنند. در بسیاری از شهرها و استان‌ها معلمان هنوز موفق به ایجاد تشکل مستقل خویش نشده‌اند و نماینده‌ای در شورای هماهنگی ندارند. برای جلب حمایت دانش‌آموزان و والدین آن‌ها هنوز باید کارهای زیادی انجام شود. هنوز پیوندهای محکم و پایداری میان جنبش اعتراضی معلمان و جنبش طبقه کارگر به وجود نیامده است.

این‌ها البته نکاتی نیستند که بر معلمان مبارز و آگاه و تشکلات آن‌ها پوشیده باشند. از همین‌جاست تلاش‌ها و جهت‌گیری‌ها برای رفع نقص و کمبودها.

جدی نگاه حکومت نسبت به آموزش و پرورش، مخالفت شدید معلمان با یکی از سیاست‌های مهم دولت یعنی خصوصی‌سازی و پولی‌سازی آموزش و پرورش، مخالفت با دخالت دین و مذهب در آموزش و پرورش، نقد جدی سیاست دولت در زمینه واکسیناسیون برای مقابله با کرونا و نمونه‌های بسیار دیگری که روش معمول شورای هماهنگی و تشکل‌های عضو آن بوده است، همه جنبه سیاسی دارند. اساساً در جامعه‌ای که دولت حاکم حتی در لباس پوشیدن شهروندان نیز مداخله نموده و آن را به یک مسئله سیاسی تبدیل نموده است، روشن است که خواست‌های صنفی معلمان نیز نمی‌توانند از خواست‌های سیاسی جدا بمانند و نیستند. به‌ویژه آنکه کار اصلی معلم آموزش و انتقال آگاهی است. معلم با علم و دانش و آگاهی سروکار دارد و انتقال آن، در هر گام با حکومت تاریک‌اندیش مخالف علم و دانش و آگاهی، تصادم پیدا می‌کند و خواهی‌خواهی موضوع از دایره خواست‌ها و مسائل صنفی فراتر می‌رود. معلمان و تشکل‌های مستقل آن‌ها در موضع‌گیری‌ها و بیانیه‌های گوناگون خود از آزادی تشکل دفاع نموده، بازداشت و شکنجه و اعدام و سیاست رژیم در این زمینه را محکوم کرده و از مبارزات و خواست‌های کارگران و سایر اقشار زحمتکش مردم حمایت کرده‌اند. معلمی در تجمع سوم اسفند گفت: نمی‌توانیم از آموزش رایگان صحبت کنیم اما نسبت به کارگران فولاد و هفت‌تپه بی‌تفاوت باشیم. شورای هماهنگی به‌درستی جنبش معلمان را از "جنبش مردم ایران برای تحقق استقلال و آزادی و برابری و رفاه و صلح و شادی" جدا نمی‌داند. تمام این‌ها که در جای خود بیانگر جنبه‌های دیگری از پیشرفت جنبش اعتراضی معلمان و پیشرفت شورای هماهنگی و تشکل‌های مستقل معلمان است، به امری روتین در سیاست‌ها و اعتراضات معلمان تبدیل‌شده است. آموزش رایگان، باکیفیت و عادلانه از جمله خواست‌ها و شعارهای دیگری است که جایگاه مهمی را در مجموعه شعارها و خواست‌های معلمان به خود اختصاص داده است. شورای هماهنگی با طرح این خواست در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های خود، نه‌فقط به دانش‌آموزان و خانواده‌ها نزدیک می‌شود و تبلیغات دولت و سرسپردگان آن برای ایجاد دشمنی و فاصله میان معلمان و خانواده‌های را خنثی ساخته است، بلکه به‌طور هم‌زمان از منافع دانش‌آموزان، والدین و

ارتجاع فرهنگ ستیز حاکم نیز فشار و سرکوب علیه معلمان و تشکل‌های مستقل آن‌ها را تشدید می‌کند. فعالان سرشناس معلمان و ده‌ها عضو و فعال تشکل‌های مستقل معلمان بازداشت و روانه زندان می‌شوند. صدها تن از معلمان و فعالان کانون‌ها و انجمن‌های صنفی معلمان به مراکز امنیتی احضار شده و مورد ارباب و تهدید قرار می‌گیرند. به صفوف تجمع‌کنندگان و حشبانه یورش می‌برند. معلمان را ضرب و شتم و حتی با دستبند و هتک حرمت زندانی می‌کنند.

علی‌رغم تمام این اقدامات و تشدید سرکوب و ارباب، فعالیت متشکل در میان معلمان گسترش‌یافته است. روی کرد معلمان به فعالیت متشکل و ایجاد تشکل مستقل افزایش‌یافته و گرایش به کار تشکیلاتی تقویت‌شده است. فراخوان‌های شورای هماهنگی هر بار با استقبال تعداد بیشتری از معلمان روبرو شده و کمیت فرهنگیان شرکت‌کننده در تجمعات اعتراضی نیز بیشتر شده است. پوشیده نیست که این تغییرات کمی و کیفی و این پیشرفت‌ها قبل از هر چیز



مدیون ارتقاء آگاهی و درجه سازمان‌یافتگی معلمان است. وقتی‌که با صدور یک فراخوان، معلمان در بیش از ۱۰۰ شهر در یک روز و ساعت معین وارد خیابان می‌شوند، این به معنای آن است که در این شهرها کار و فعالیت متشکل در حال قوام یافتن است و تشکل‌ها و فعالان صنفی محلی نقش مهمی در بسیج معلمان دارند. مهم‌تر اینکه، این تشکل‌ها و فعالان با یک مرکز رهبری‌کننده مورد اعتماد خویش مرتبط‌اند.

این اما هنوز تمام عرصه‌های پیشرفت جنبش اعتراضی معلمان نیست. یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم دیگری که بازتاب‌دهنده پیشرفت جنبش اعتراضی معلمان است، خواست‌ها و شعارهای سیاسی است که در تجمعات سراسری و در قطعنامه‌ها مطرح‌شده‌اند. خواست‌های معلمان صرفاً به رتبه‌بندی و همسان‌سازی خلاصه نشده است. یکی از خواست‌ها و شعارهای ثابت تمام تجمعات و اعتراضات سراسری معلمان، آزادی معلمان زندانی بوده است. هرکس بیانیه‌ها و قطعنامه‌های شورای هماهنگی و تشکل‌های عضو این شورا را با بیانیه‌ها و قطعنامه‌های سال گذشته مقایسه کند، هرکس شعارهای تجمعات سراسری شش ماه اخیر را با سال گذشته مقایسه کند به‌سادگی به این موضوع پی می‌برد که معلمان و تشکل‌هایشان بسیار جدی‌تر و پیگیرانه‌تر از گذشته خواهان آزادی همکاران خویش شده‌اند به‌نحوی که این خواست و شعار سیاسی به‌تدریج به یک شعار فراگیر و سراسری تبدیل‌شده و معلمان در عمل نیز مصراانه پیگیر آن بوده‌اند. از این گذشته، نقد



ای زن، کیست که آزادت کند!

کرایه‌نشین هستیم و کلی بدهی داریم. آن طرف خیابان را هم نگاه کنید؛ همه زن هستند. یعنی می‌شود داشته باشند و در خیابان بنشینند؟" دستفروشی از دیگر نمودهای بحران بیکاری و فقر فراگیر در کشور است. با وجود این تمام تلاش مقامات جمهوری اسلامی، یعنی پدیدآورندگان این تباهی‌ها، سرکوب و بر هم زدن بساط دستفروشان و ارائه تصویری منفی از آنان با عباراتی چون "استان تهران در محاصره متکدیان از قاجاق انسان تا معبرفروشی"، "اراذل و اوباش دستفروش"، "افزایش سرقت و کلاهبرداری در مترو در پوشش دستفروشی" و از این قبیل است.

یکی از پیامدهای مخرب کرونا در جهان، گذشته از مرگ و بیماری، نابودی بسیاری از مشاغل و بیکاری میلیون‌ها نفر بوده است، به ویژه بیکاری زنان. روندی که در ایران نیز قابل مشاهده است؛ با این ویژگی که گذشته از تأثیر کرونا بر بازار کار، در چهار دهه گذشته همواره آمارها حاکی از تنزل موقعیت اقتصادی - اجتماعی زنان در تمامی حوزه‌های اقتصادی بوده است.

بنا به آمار، در تابستان سال جاری، از نزدیک به ۶۳ میلیون نفر در گروه سنی ۱۵ سال به بالا، تنها نزدیک به ۲۶ میلیون نفر در زمره جمعیت فعال [مجموع جمعیت شاغل و جویای کار] محسوب می‌شدند که تعدادشان نسبت به تابستان سال پیش ۷ / ۰ درصد کاهش یافته است. یعنی ۳۷ میلیون ایرانی نه شاغل هستند و نه جویای کار! پدیده‌ای شگفت، به ویژه آن که طبق آمارها، شاخص فلاکت* در تابستان ۱۴۰۰ ۴ / ۵۵ واحد درصد رسیده است. گزارش اکوایران" در دی ماه، از میان جمعیت فعال، ۴ / ۲۳ میلیون نفر شاغل بوده‌اند. باز بنا به آمار مرکز آمار، در مهر ماه، تعداد زنان شاغل در این بازه زمانی حدود سه میلیون ۴۹۲ هزار نفر بوده است که در مقایسه با فصل مشابه در سال گذشته، ۱۷۷ هزار و ۵۲۸ نفر کاهش یافته است. در میان بیکاران نیز از حدود دو میلیون و نیم نفر، ۷ / ۱ میلیون نفر مرد و بیش از ۷۵۱ هزار نفر زن بوده‌اند؛ یعنی تعداد مردان بیکار ۷ هزار نفر کاهش یافته اما بر جمعیت زنان بیکار ۲۵ هزار و ۸۰۶ نفر افزوده شده است.

گذشته از آن که هیچ‌گاه در جمهوری اسلامی آمارها قابل اتکا نبوده‌اند، اما همین آمار کذب و گاه متناقض رسمی، روشن‌گر هستند. بنا به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در زمستان سال ۱۳۹۹ نسبت به فصل مشابه در سال قبل، جمعیت زنان شاغل ۴۴۰ هزار نفر کاهش و جمعیت مردان شاغل ۱۴۰ هزار نفر افزایش یافته است. در آذر سال ۹۹ نیز مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرد، اگر جمعیت فعال اقتصادی کاهش نمی‌یافت، نرخ بیکاری در بهار سال ۹۹ به جای ۸ / ۹ درصد اعلام شده توسط مرکز آمار به ۲۴ درصد می‌رسید. از یاد نبریم که در شرایط عادی بایستی سالانه ۹۰۰ هزار نفر نیز به متقاضیان کار یا جمعیت فعال اقتصادی افزوده شوند. بگذریم که طبق استانداردها در ایران، "شاغل" فردی محسوب می‌شود که هفته‌ای حداقل یک ساعت کار کند.

باز در پاییز امسال مرکز آمار از خروج ۴۷۰ هزار نفری زنان ۱۵ ساله به بالا از آمار جمعیت فعال و کاهش ۱۹۵ هزار نفری زنان شاغل خبر داد. در بهمن ۱۴۰۰ نیز مرکز پژوهش‌های مجلس از رشد منفی ۴ / ۴ درصدی جمعیت شاغلان زن خبر داد.

با وجود میزان ناچیز سهم زنان از بازار کار رسمی، زنان شاغل با تبعیض‌های متعددی روبرویند. دستمزد آن‌ها پایین‌تر از مردان است، از امنیت شغلی کمتری، به ویژه در هنگام بروز بحران‌ها، برخوردارند؛ از فرصت‌ها و امکانات مساوی در ارتقای شغلی محرومند؛ در مشاغل کم‌درآمدتری مشغول به کارند؛ از حمایت‌های قانونی کمتری بهره‌مندند و از آزار و خشونت‌های جنسی در محل کار در رنج‌اند. بر همه این‌ها بایستی قوانین بازدارنده در دسترس به مشاغل را افزود.

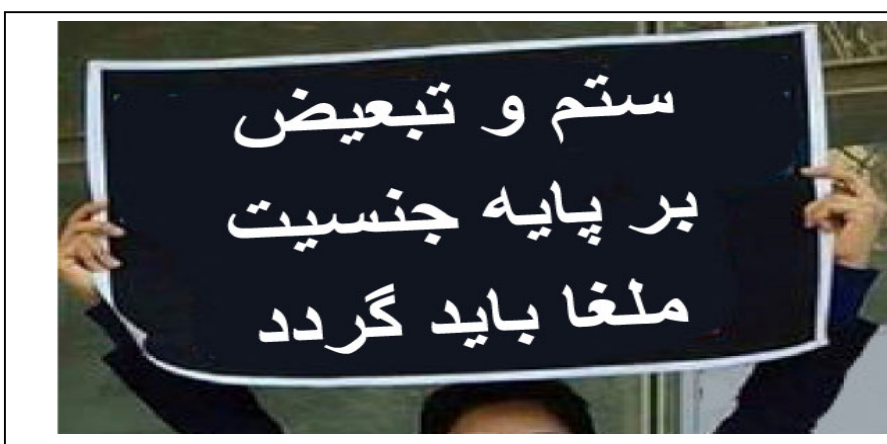
در آخرین نمونه، در اوایل اسفند ماه اعلام شد به زنان کارمند دولت با بازنشسته تحت پوشش بیمه‌های مختلف از جمله بیمه تأمین اجتماعی، "حق اولاد یا حق عائلهمندی عیدی" پرداخت نخواهد شد. با این تصمیم، ۵۰۰ هزار تومان حق همسر و ۱۵۰ هزار تومان حق اولاد از فیش عیدی زنانی که بسیاری از آن‌ها سرپرست خانوار هستند، حذف شده است.

این در حالی است که در تمامی گزارش‌های سال ۱۴۰۰ از افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار یاد می‌شود. از آنجایی که حکومت ایران تنها مردان را "نان‌آور" خانواده می‌داند، تمام زنان بیوه، مطلقه، زنان سالمند تنها و زنان دارای همسران معتاد، زندانی یا از کارافتاده را "زن سرپرست خانوار" اطلاق می‌کند. طبق گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱ / ۱۹ درصد خانوارهای ایرانی دارای سرپرست زن هستند. قالیباف در بهمن ماه از وجود ۵ میلیون زن سرپرست خانوار خبر داد که ۵۲ درصد آنان فاقد بیمه و مستمری هستند و ۳۸ درصد هم جزو سه دهک پایین جامعه و قریب به یک میلیون هم تحت پوشش هیچ بیمه‌ای قرار ندارند. به گفته رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس نیز تعداد این زنان در ۱۵ سال اخیر ۴ برابر شده است. در حالی که ظاهراً ۱۳ دستگاه متولی امور زنان سرپرست خانوار در ایران وجود دارد، اما در عمل، درصد اندکی از کمک‌هایی ناچیز بهره‌مندند ولی اکثر این زنان بدون کوچکترین

حمایتی به حال خود رها شده‌اند. در شهریور ماه، معاون اجتماعی سازمان بهزیستی کشور، وعده داد مستمری خانوارهای زن سرپرست به ۳۵۰ هزار تومان و مستمری یک خانواده زن سرپرست پنج نفره به یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان می‌رسد. هرچند خود او نیز اذعان می‌کند که این مبلغ کفاف زندگی خانوار را نمی‌دهد. در حالی که خط فقر برای خانوار ۴ نفره بنا به تخمین‌های برخی کارشناسان به ۵ / ۱۲ تا ۱۵ میلیون رسیده است. از میان ۵ میلیون خانوار زن سرپرست، یک میلیون و ۱۰۰ هزار خانوار تحت پوشش کمیته امداد و حدود ۲۵۰ هزار نفر هم تحت پوشش بهزیستی قرار دارند. از آن گذشته طبق آمار سال ۹۸، بیش‌ترین درصد زنان سرپرست خانوار مربوط به رده‌های سنی کمتر از ۱۵ سال و پس از آن مربوط به زنان ۷۰ تا ۷۴ ساله بوده است. به این ترتیب، روشن می‌شود که نه دختران زیر ۱۵ سال و نه زنان بالای ۷۰ سال بر طبق موازین خود رژیم امکان اشتغال چندانی ندارند و اگر هم به مشاغل چون دستفروشی، نظافت در خانه‌ها، کارهای خانگی، کارگری در کارگاه‌ها و مشاغلی از این قبیل بپردازند، درآمدشان چنان ناچیز است که کفاف خرج زندگی خودشان را هم نمی‌دهد چه رسد به یک خانوار را. به گزارش وزارت کار در سال ۹۸ جمعیت فعال زنان سرپرست خانوار نزدیک به ۴۴۰ هزار نفر با نرخ بیکاری ۱ / ۵ درصد بوده است که این ارقام بایستی با توجه به افزایش تعداد خانوارهای زن سرپرست، افزایش نرخ بیکاری زنان و خروج زنان از بازار کار پس از شیوع کرونا، هم‌راستا با سیر کلی اشتغال زنان، تغییرات منفی بسیاری کرده باشد. گزارش‌های متعددی نیز از اشتغال زنان سرپرست خانواده در مشاغل کم درآمد و غیررسمی وجود دارد.

در چهار دهه گذشته، به علت خصوصی‌سازی‌ها، کوچک کردن واحدهای تولیدی زنان کارگر روز به روز از کارخانجات و صنایع بزرگ به کارگاه‌های کوچک، شرکت‌های خدماتی و پیمانکاری رانده شده‌اند. طبق تخمین‌ها تنها ۵ درصد از کل کارگران رسمی ایران را زنان تشکیل می‌دهند و اکثر آنان نیز در کارگاه‌های زیر ده نفر کار می‌کنند. به گزارش فروردین روزنامه شرق تنها از ۲۵ اسفند ۹۸ تا نیمه دوم فروردین، ۶۰۰ هزار کارگر رسمی اخراج شدند، که بخش زیادی از آن‌ها را زنان تشکیل می‌دادند. از آن گذشته

در صفحه ۹





همگام با نیروهای ترقی خواه جهان، علیه جنگ، توسعه طلبی و امپریالیسم

رویدادهای پرشتاب روزهای اخیر، حمله روسیه به اوکراین و ورود نیروهای روسیه در شهرهای مهم این کشور از جمله "کی یف"، موجی از انزجار علیه جنگ و ویرانی را در سراسر جهان برانگیخته است.

در اولین روز حمله روسیه، شهروندان روس در ۵۸ شهر این کشور علیه جنگ و پوتین به خیابانها آمدند، در این تظاهراتها طبق آمار اولیه بیش از ۱۷۰۰ تن دستگیر شده‌اند. در سایر کشورهای جهان نیز اعتراضات ضد جنگ رو به گسترش است.

این جنگ نمونه‌ای روشن از نزاعهای کشورهای امپریالیستی بر سر منافع سیاسی و اقتصادی است که در آن جان و امنیت میلیون‌ها مردم جایی ندارد. یکی از واقعاتهای قرن ۲۱، تضعیف روزافزون موقعیت جهانی امپریالیسم آمریکا و اتحادیه اروپا از یک سو و تغییر تدریجی این موازنه به نفع امپریالیست‌های روسی و چینی است. چین به سرعت در پی تسخیر بازارهای بین‌المللی، و روسیه در پی گسترش نفوذ خود از طریق قدرت نظامی و سیاسی است. در چارچوب این موازنه قدرت و سیاست‌های توسعه طلبانه روسیه است که حمله به اوکراین صورت می‌گیرد. دولت اوکراین که رویای پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو را در سر داشته امروز برای تأمین امنیت جان مردم دست به دامان متحدین اروپایی و آمریکایی‌اش شده اما روشن است که برای امپریالیست‌های اروپا و آمریکا، منافع اقتصادی بر جان مردم اوکراین ارجحیت دارد.

در عین حال در این میان، میلیون‌ها تن از مردم اوکراین که زیر حملات موشکی روسیه قرار دارند، به پوچ بودن شعارها و وعده‌های امپریالیست‌ها پی می‌برند. در همان اولین روز حمله روسیه، گزارشات منتشره از گفتگو با مردم در شهرهای مختلف اوکراین، نشانگر شکستن سریع توهمات مردم این کشور به وعده‌و وعیدهای امپریالیست‌های اروپا و آمریکا و دولت حامی‌شان در اوکراین است.

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان در شهرها و کشورهای مختلف جهان در تظاهرات‌های ضد جنگ علیه ویرانی و کشتار مردم، توسعه طلبی و کاپیتالیسم فعالانه شرکت می‌کند و همبستگی خود با مردم اوکراین را اعلام می‌کند. ما در کنار افکار آزادیخواه و مردم آزاده جهان، علیه جنگ، توسعه طلبی و کاپیتالیسم صفوف خود را منسجم‌تر و فریادمان را بلندتر می‌کنیم.

زنده باد همبستگی بین‌المللی پرتوان و پیروز باد مبارزات جهانی علیه جنگ، توسعه طلبی و امپریالیسم

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
۲۵ فوریه ۲۰۲۲ / ۶ اسفند ۱۴۰۰

تفنگ یا زنجیر؛

همه یا هیچ‌کس. هیچ یا همه.

(بخشی از شعر "ای برده! کیست که آزادت کند؟" اثر برتولت برشت)

زیرنویس:

* شاخص فلاکت برابر با مجموع نرخ تورم و بیکاری است و از طریق آن سطح معیشت افراد جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. هرچند در این گزارش، بر اساس آمارهای مرکز آمار، نرخ بیکاری در تابستان سال جاری ۹ / ۶ درصد و نرخ تورم میانگین ۸ / ۴۵ درصد در نظر گرفته شده است. آمارهایی که با نه تنها با آمارهای واقعی بلکه با آمار برخی دیگر از نهادهای حکومتی در تناقض قرار دارند. برای نمونه در سال ۹۹، در حالی که مرکز آمار نرخ بیکاری را ۸ / ۹ درصد اعلام کرده بود، مرکز پژوهش‌های مجلس با اشاره به افزایش جمعیت غیرفعال اقتصادی، آمار واقعی بیکاری را ۲۴ درصد اعلام کرد.

ضمن استثمار نیروی کار ارزان آنان، امکان استقلال اقتصادی را از آنان سلب کرده است و به تبع آن فقر جنسیتی را تشدید کرده است.

در ایران در هم‌تنیدگی یک نظام سرمایه‌داری استثمارگر فاسد با ارنج‌ای‌ترین حکومت دینی زن‌ستیز، نبرد با یکی را از نبرد با دیگری گسست‌ناپذیر کرده است. امروز در ایران، زنان کارگر و زحمتکش در تمامی عرصه‌های حیات، در چنان تنگنایی قرار گرفته‌اند که به یکی از رادیکال‌ترین عناصر جنبش‌های اعتراضی بدل گشته‌اند. حضور فعال و شجاعانه آنان در جنبش‌های اعتراضی معلمان، بازنشستگان، کارگران، دانشجویان، مال‌باختگان و... چنان هراسی در دل حاکمان جهل و زور انداخته است که هر از گاهی به ناگزیر معترف می‌شوند. آنچه هم‌پوش حس می‌شود و ضرورت است، ایجاد تشکلهای مستقل، آگاهی و پیوند هر چه بیشتر مبارزات برابری‌خواهانه زنان با سایر جنبش‌های اعتراضی است. چرا که: کس به تنهایی نجات خویش نتواند.

ای زن، کیست که آزادت کند!

بسیاری از مشاغل فصلی موقت، توافقی، پیمانکاری، روزمزد، خانگی و در کل مشاغل غیررسمی توسط زنان انجام می‌شود. یعنی آن بخش‌هایی از تولید و خدمات که حتی از امکانات حداقلی کارگاه‌های زیر ده نفر نیز برخوردار نیستند. در حال حاضر، آماری از تعداد کارگران غیررسمی در کشور وجود ندارد، آمارهای موجود تا پیش از شیوع کرونا، از وجود ۵ تا ۶ میلیون کارگر غیررسمی حکایت می‌کرد، هرچند فعالان کارگری این آمار را بسیار بیشتر می‌دانستند. ویژگی اشتغال در کارگاه‌های غیررسمی، عدم امنیت شغلی، عدم بیمه درمانی و بازنشستگی، عدم مرخصی، حقوق زیر حداقل حقوق رسمی، عدم حمایت قانونی است. زنانی که در بخش غیررسمی یا واحدهای کوچک کار می‌کنند، ناچارند برای امرار معاش به سخت‌ترین کارها و کمترین دستمزدها رضایت دهند. در بخش کشاورزی نیز وضع زنان بهتر نیست. طبق آمارهای سال ۹۸، ۱۰ تا ۱۲ میلیون زن در روستاها زندگی می‌کردند که حداقل ۶ میلیون نفر به طور مستقیم در کاشت و برداشت نقش داشتند. به طور نمونه در روستاهای استان‌های شمالی که تعداد زنان کشاورز بیشتر از مردان است، زنان ۶۰ درصد مردان مزد می‌گیرند. در ایران ۷۵ درصد تولید صنایع دستی، ۴۰ درصد تولیدات کشاورزی و ۸۰ درصد صنعت فرش به عهده زنان است، با وجود این، نه بیمه‌ای دارند و نه ساعت کاری و گاهی نه دستمزدی. بر اساس آمار رسمی بیش از ۶۲ درصد "کارکنان فامیلی بدون مزد" زنان هستند. خشکسالی و کم‌آبی نیز چالشی دیگر در برابر زنان گذاشته است. از دیگر عواقب تخریب محیط زیست اجبار مردان به مهاجرت و افتادن بار سرپرستی خانواده بر عهده زنان است. اگر هم با همسر و خانواده مهاجرت کنند، به ناچار بایستی در بیغوله‌های حاشیه شهرها در فقر و بیکاری و محرومیت و در معرض انواع و اقسام فساد و بزهکاری زندگی کنند و علاوه بر آن به نحوی در درآمدزایی خانواده نقش ایفا کنند.

در دوران سلطه جمهوری اسلامی، علاوه بر مانع‌تراشی بر سر راه اشتغال زنان در کل، ممنوعیت اشتغال زنان در برخی رشته‌ها، تصویب قوانین زن‌ستیزانه برای راندن هر چه پیش‌تر زنان از عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، رواج خشونت علیه زنان در خانواده و جامعه، الگویی از زن ترسیم می‌شود که جایگاه او را خانه و خانواده معرفی می‌کند. در این الگو مشارکت اقتصادی تهدیدی برای ایفای نقش مادری و همسری و افزایش جمعیت تلقی می‌شود. برای تثبیت این نقش‌ها نیز فرامین حکومتی، قوانین و مصوبه‌های بسیار به تصویب رسیده و به اجرا درآمده است. با این وجود، از سویی به علت گسترش فقر و نیازهای معیشتی توده‌های مردم و از سویی دیگر به علت مقاومت زنان در برابر تبعیض‌های جنسیتی، زنان به انزوای خانه‌ها نخزیده‌اند، گرچه به ناچار عمدتاً جذب بازار کار غیررسمی شده‌اند. بازاری که

ای زن، کیست که آزادت کند!

اجرای طرح "ساماندهی" صنایع و مشاغل تهران خیر داد. به گفته‌ی او، "ساماندهی" دستفروشان به پیمانکارانی سپرده شده است که مبلغی برای "جبران هزینه‌ها" از دستفروشان اخذ خواهند کرد. دستفروشان این طرح را "اسم رمز برخورد با دستفروشان" می‌دانند، اما شهرداری مدعی "سامان‌بخشی، انضباط شهری، ساماندهی معابر شهر تهران" و بازگرداندن "زیبایی بصری" به شهر است و به این بهانه، منبع درآمدی دیگر برای خود و همدستانش تراشیده است آن هم با چاپیدن جیب ضعیف‌ترین اقشار جامعه.

آبان ماه سال جاری، یکی از اعضای شورای شهر تهران، به وجود ۴ هزار دستفروش در

متروی تهران اشاره کرد که بنا به شواهد بسیاری از آنان زن هستند. یکی از علل روی‌آوری زنان به دستفروشی در مترو، گریز از آزار و اذیت مأموران شهرداری در خیابان‌ها ذکر می‌شود. گرچه در آنجا نیز در امان نیستند. "کافی است زن باشی و فقیر، دستت هم به جایی بند نباشد. انگار بیت‌المالی و همه باید از بدنت سهمی داشته باشند..." این سخنان یکی از زنان دستفروش در متروی تهران است. زن دستفروش دیگری در بازار عبدالحمید اهواز می‌گوید: "بازاری نیست و با ترس و لرز بساط می‌کنیم. مردم هیچی ندارند. مردم از گرسنگی دارند می‌میرند؛ اما شهرداری باز نمی‌گذارد ما بساط کنیم. همه در صفحه ۸

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 960 February 2022



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آنلاین شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آنلاین شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آنلاین شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: 2/3

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی